



## حسینی حسنیار شغنانی

۶ جدی ۱۳۹۰

### سلسله مقالات " مبانی مذهب اسماعیلی " (6)

آشنایی با شخصیت، کار و فعالیت برخی از رجل برجسته اسماعیلی

#### ابوالفضل بلعمی

محمد بن عبدالله بلعمی مشهور به ابوالفضل بلعمی، بلعمی بزرگ یا خواجه بلعمی

راجع به سال تولد جوانی و نوجوانی بلعمی معلومات چندانی در دست نیست. در وجه تسمیه بلعمی دو روایت مختلف وجود دارند، برخی از جمله سمعانی و یاقوت حموی نیای او را از اعراب ساکن بلعم دیاری در آسیای صغیر میدانند. گروه دیگر در عرب بودن نیای او با گروه اول متفق رای اند ولی برین باور اند که زادگاهش محلی بنام بلعمان در مرو میباشد. هر دو گروه معتقد اند که نسبت بلعمی از زادگاهش بلعم و یا بلعمان گرفته شده است.

برخی از مورخان باور دارند که بلعمی وزیر نصرین احمد سامانی ( 301 – 331)، از معاصران و نزدیکان امیر اسماعیل بن احمد سامانی ( 279 – 205 ) بوده است. عده دیگر برآنند که وی عهده دار وزارت اسماعیل بن احمد نیز بوده است. تنها مورخ که وی را وزیر احمد بن اسماعیل ( 259 – 301 ) میدانند ابن اسفندیار میباشد، که برخی درستی گفته هایش را زیر سؤال قرار میدهند. زیرا تا اواخر امارت احمد بن اسماعیل، ابو عبدالله محمد ابن احمد جیهانی عهده دار وزارت بود. جیهانی حتا در آغاز امارت نصرین احمد ( 301 – 331 ) که در هشت سالگی بعد از قتل پدرش او را بر تخت امارت نشانده، هنوز هم بر مسند وزارت تکیه زده بود. بعد از جیهانی وزارت فقط به سال 310 به بلعمی تعلق گرفت، و بلعمی آن را تا سال 326 در دست داشت. در یک سخن اکثریت مطلق مورخان تردید دارند که بلعمی وزارت اسماعیل بن احمد و احمد بن اسماعیل را داشته باشد. فقط در دوران نصرین احمد سامانی است که بلعمی به عنوان وزیر با تدبیر و با کفایت و یک شخصیت با درایت مطرح میشود. وزارت زمانی به بلعمی تعلق گرفت که خراسان در آتش فتنه و آشوب و هرج مرج میسوخت. در هر نقطه از قلمرو امرای دست نشانده علم آزادی و یا خودمختاری را بلند نموده بودند، حاکم گرگان، طبرستان و سیستان که دست نشاندهگان سامانیان بودند شورش و آشوب را برپا، و پرچم جدایی طلبی را بلند نمودند. نام بلعمی در تاریخ زمانی سر زبانها می افتد که در سال 306 منصور بن اسحاق بن احمد ( شهزاده سامانی حاکم سیستان ) به کمک امیرحسین مروزی ( داعی اسماعیلی) بر نصر بن احمد شورید. شورش بزودی توسط بلعمی فرونشست ، منصور کشته شد و حسین دستگیر و زندانی گردید. بلعمی بر حسین مروزی نسبت همکیشی ( اسماعیلی بودن ) همدردی

نشان داده ، فرمان آزادی او را از امیر بدست آورد، و آزادش کرد. بلعمی در چندین فقره از جنگهایی که دشمنان سامانیان در مناطق مختلف سازماندهی کرده بودند، اشتراک نمود، و پیروز گردید.

ابوالفضل بلعمی مرد شمشیر و قلم و دولتمرد موفق بود. بلعمی قبای وزارت بر تن، شمشیر بر کمر و قلم در دست توسن عظمت و حشمت سامانیان را به سوی قله های پیروزی میراند. ابوالفضل بلعمی علاوه بر اینکه وزیر با تدبیر ، مدیر با کفایت، و فرمانده موفق بود، در ادب دوستی و هنرپروزی نیز سرآمد روزگار به حساب می آمد. ناصر خسرو که به غیر از امام اسماعیلی لب به مدح کسی نشگوده است، در باره فضل بلعمی چنین گوید:

بتوانی شدن به فضل بلعمی بوالفضل بلعمی گر نیستی به نسبت بوالفضل

مورخان دو کتاب تلیح البلاغه و المقالات را از نوشته های این وزیر هنر پرور سامانی میدانند. همین وزیر دانشمند، به فرمان امیر نصر، کلیده و دمنه را از عربی به دری برگرداند و رودکی را واداشت آن را به نظم درآورد.

سال 326 بلعمی از بصورت ناگهانی از مقام وزارت معزول شد. راجع به عزل او از مقام وزارت و زندگی اش تا سال 329 که سال شهادت اوست، معلوماتی در دست نیست. سراسر دوره امارت امیرنصر بن احمد را میتوان یکی از پراشوبترین دوره محسوب نمود. چنانچه گفته شد سراسر امارت نصر بن احمد توام با کشمکش و هرج و مرج سپری شد، ولی سالهای 329 را میتوان از پراشوبترین سالهای تاریخ امارت سامانیان به شمار آورد. بسیاری از نزدیکان نصرسامانی از جمله بلعمی بصورت مرموزی درین سالها کشته شدند. آنهاييکه درین سالها کشته شدند یا اسماعیلی بودند و یا بگونه ی با اسماعیلیان در ارتباط بودند. استاد سعید نفیسی ( 1274 – 1345 ) قتل بلعمی را به جرم اسماعیلیگری میدانند.

قتل بلعمی را میتوان یک ترور سیاسی دانست، عده از درباریان سامانی از دست یابی به قدرت اسماعیلیان در دستگاه امارت به هراس افتاده، قتل و ترور رجل برجسته اسماعیلی را در دستور کار خود قرار دادند. خمارتگین ترک قاتل ابوالفضل بلعمی یکی از آنها بود. درست در سالهای 329 بود که اسماعیلی بودن نصر بن احمد سامانی برملا شد، و سرداران سپاه که اکثرا ترکان بودند و در مذهب سنت تعصب داشتند بر نصر شوریدند، او را به سال 331 خلع قدرت نموده، و آنعده از اطرافیان را که اسماعیلی بودند به گونه های مختلف به قتل رساندند.